خبر

کارتون‌هایی برای اکران شهری

محمدحسین نیرومند معتقد است نمایش آثار نمایشگاه کارتون و کاریکاتور جام‌جهانی نباید محدود به یک گالری و مجموعه شود و از طریق رسانه‌ها، تلویزیون و بیلبوردها باید به زندگی مردم راه پیدا کنند. این هنرمند طراح و کاریکاتوریست و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره نمایشگاه بین‌المللی کارتون و کاریکاتور جام‌جهانی فوتبال ایران ۱۴۰۱ که در حوزه هنری برپاست درباره خلاقیت در آثار این نمایشگاه، گفت: اولین بار نیست چنین نمایشگاهی برگزار می‌شود اما قبلی‌ها به این گستردگی نبوده‌اند. میزان خلاقیت را در نسبت به میزان حضور هنرمندانی که در این نمایشگاه شرکت کرده‌اند باید سنجید، چراکه اکثر هنرمندان خارجی را که در این نمایشگاه بین‌المللی حضور دارند، می‌شناسم آنها بسیار خلاق هستند و می‌کوشند آثاری بدیع و نو را برای نمایشگاه بفرستند. وی تصریح کرد: ضمن این‌که آثار تکراری در بخش کارتون که موضوعش آزاد بوده خیلی کم دیدم، چون مهم‌ترین المان خلاقیت، نوآوری و اورجینال بودن اثر است که اکثر آنها آثاری اورجینال هستند. از این جهت، این نمایشگاه در حال حاضر مهم‌ترین رویداد هنری در کشور، محسوب می‌شود. وی آثار این نمایشگاه را دارای قابلیت اکران شهری دانست و گفت: این آثار باید در سطح شهر و در قالب بیلبورد و تابلوهای تبلیغی، به نمایش درآیند.

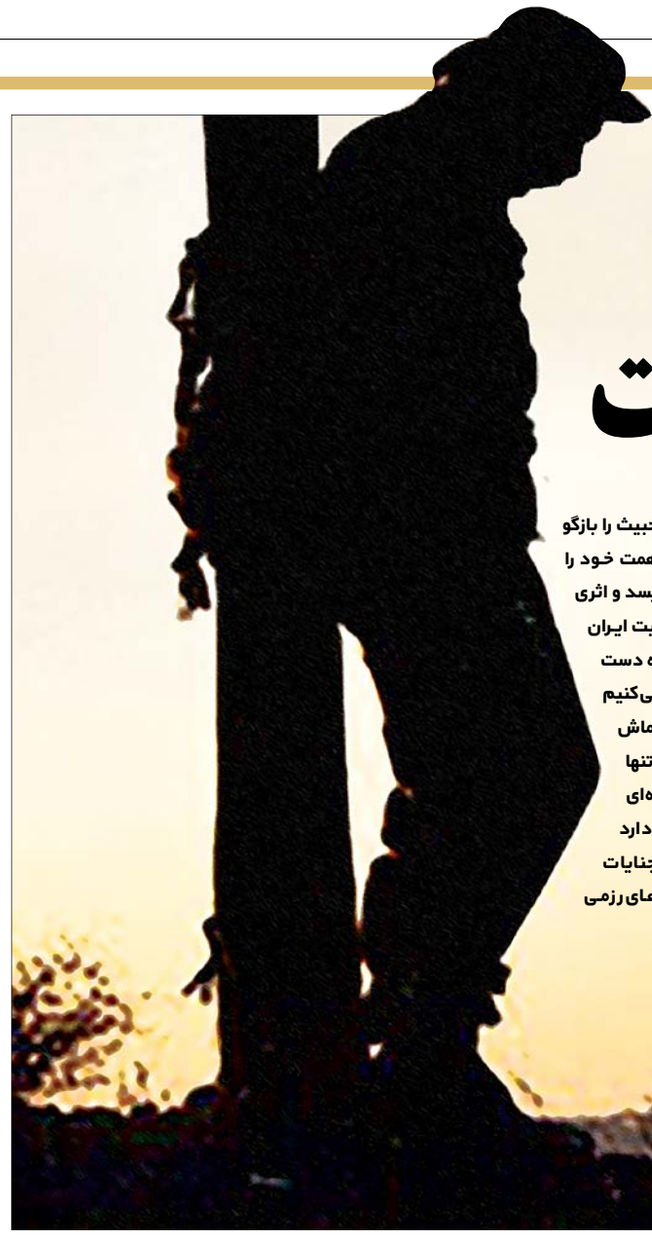

...ه یک ملت

تا بخش دیگری از جنایات این گروه وحشی و خبیث را بازگو کنیم تا شاید هنرمندی از نسل تازه، آستین همت خود را بالا بزند و فیلمنامه، داستان، رمان و... بنویسد و اثری برا ساس آن بسازد تا آیندگان بدانند که امنیت ایران امروز با چه سختی و ایثار چه جان‌های پاکی به دست آمده است. با بازخوانی تاریخ فراموش نمی‌کنیم امثال منافقین، کومله، پهلوی و... از همین قماش بوده و به دنبال تجزیه ایران هستند و نه تنها دل شان برای زن ایرانی نمی‌سوزد، بلکه کینه‌ای اززن ایرانی با بت پرورش نسل سلحشوران دارد که تا ابد باقی است. با هم گوشه‌ای دیگر از جنایات شقی‌ترین افراد را اززبان فرماندهان و نیروهای رزمی در کردستان با هم می‌خوانیم.

ترور عبدالکریم شهریکندی

مصطفی پور آذر، معروف به عبدالکریم شهریکندی بود. این فرد به قدری سرشناس بود که وقتی هیات ویژه حل مسأله کردستان برای مذاکره به مهاباد می‌رفت، با او دیدار می‌کرد. جنگ‌طلبان این روحانی را در دوم فروردین ۱۳۶۱، بعد از این‌که نماز ظهرش را در مسجد مولوی شهر مهاباد خواند، هنگام خروج از مسجد ترور کردند. همچنان که در اغتشاشات اخیر یکی از اهداف خود را ترور مقامات دینی اهل تسنن قرار داده‌اند.

کشتار زخمی‌ها در بیمارستان‌ها

در بیمارستان پاوه تعدادی مجروح از پاسداران بومی و غیربومی که در درگیری های ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ شهر پاوه زخمی شده‌بودند، بستری شدند. مزدوران وابسته به گروه‌های جنگ افروز با همکاری دکتر عارفی که رئیس بیمارستان و همکار آنها بود، وارد بیمارستان شدند و تعدادی از زخمی ها را از بیمارستان خارج کردند و برخی دیگر را روی تخت بیمارستان با شلیک گلوله یا بریدن گلوی شان به شهادت رساندند.

مشابه همین اقدام در شهریور ۱۳۵۸ در سقز رخ داد. هواداران گروه‌ها که به‌عنوان کادر درمانی در بیمارستان سقز بودند، بعضی از مجروحانی که به بیمارستان این شهر منتقل می‌شدند، می‌کشتند و اجسادشان را در چاله‌ها و خرابه‌های اطراف می‌انداختند. در اردیبهشت ۱۳۵۹ نیز در سنندج، کادر درمانی بیمارستان توحید بعد از انتقال مجروحان به بیمارستان، وقتی متوجه می‌شدند فرد مجروح وابسته به نیروهای سپاه یا ارتش است، آنها را با تزریق آمپول یا دادن داروهای مضر، می‌کشتند و بعد گزارش می‌دادند درمان آنان نتیجه نداد و مجروح جان داد. همین ماجرا در ذات خود تمام عناصر شکل‌گیری یک درام پرکشش و آگاهی بخش را دارد.

شهید مثله شده

اروجعلی شکری در تابستان ۶۱ به‌طور داوطلبانه به سربازی رفته و در پادگان آموزشی سقز مشغول فراگیری مهارت‌های نظامی می‌شود و پس از پایان دوره آموزشی به خدمت هنگ ژاندارمری سقز در پاسگاه اعزام شده و مسئولیت مخابرات را به‌عنوان بی‌سیم چی به‌عهده می‌گیرد. در روزهای پایانی بهمن ۱۳۶۱ در جریان درگیری گروهک ضدانقلاب کومله با پاسگاه یازی بلاغی شهرستان سقز شهید شکری در حالی‌که حامل کدهای بی‌سیم بود، مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و برای این‌که پیام و رمز به دست مزدوران نیفتد آنها را می‌بلعد، دشمن که از به دست آوردن کدها ناامید می‌شود برای تخلیه اطلاعاتی او را به شدت مورد شکنجه قرار می‌دهد به طوری‌که چشمانش را بیرون می‌آورند و پوست بدنش را زنده زنده جدا می‌کنند و در حالی‌که هنوز جان در بدن داشته او را مثله کرده تا بتوانند کدهای مخابراتی را به دست بیاورند اما توفیقی به دست نمی‌آورند و عاقبت این شهید بزرگوار دعوت حق را لبیک می‌گوید.

پیکر شهید شکری به علت جراحات بسیار سخت مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد تا این‌که شبی در خواب پدر خود رفته و از او می‌خواهد که وی را به همراه ببرد که در نهایت پیکر شهید از ساییدگی کف‌های پا و زخم روی دستش شناخته می‌شود.

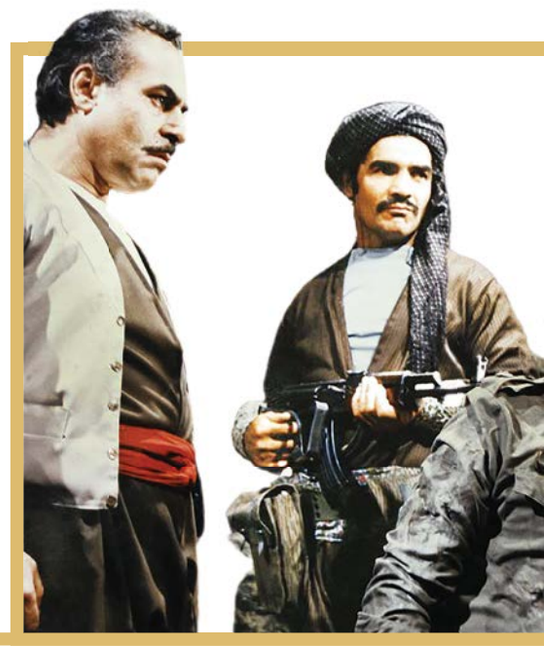

سید ابراهیم تارا

شهید جاوید الاثر، سیدابراهیم تارا از جمله پاسدارانی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز غائله کردستان به غرب کشور رفته و همراه دیگر پاسداران در آن منطقه توطئه‌های ضدانقلاب را مهار می‌کردند.

ابراهیم بعد از مدتی که در کردستان بود، با دختری جهادگر ازدواج کرد. این زوج جوان در مدتی که با هم در کردستان بودند، فعالیت‌های متعددی داشتند و حتی بعد از این‌که صاحب فرزند شدند، همسر او به فعالیتش ادامه می‌داد. سیدابراهیم در تعدادی از مأموریت‌ها با کمین ضدانقلاب مواجه شده اما نجات یافته بود تا این‌که در دی ۱۳۶۱ پس از درگیری با ضدانقلاب به اسارت درآمد و بعد از شکنجه‌های سخت به شهادت رسید. وجود سیدابراهیم به قدری برای ضدانقلاب اهمیت داشت که بعد از دستگیری او رادیو کومله در پیامی اعلام کرد دست خمینی را در کردستان قطع کردیم.

یکی از شکنجه‌گرها که برای او غذا می‌برد، روایت کرده: روز اول دیدم ابراهیم دست دارد، روز دوم ابراهیم دیگر دست نداشت و دست هایش را شکسته‌بودند، روز سوم نه دست داشت و نه پا؛ کلا دیگر نمی‌توانست کاری انجام دهد. در لحظات آخر در آن وضعیت ابراهیم را به حیاط آوردند. کف حیاط افتاده بود و با این‌که خیلی درد داشت، شعار «ا... اکبر خمینی رهبر» را سر می‌داد، بعد از آن مسئول گروهک کومله او را در مینی‌بوس گذاشت و با خود برد. وقتی برگشت، کف مینی بوس پر از خون بود و خبری از ابراهیم نبود.

سیدابراهیم سه آرزو داشت؛ اولین آرزویش این بود که زیر شکنجه شهید شود؛ دومین آرزویش این بود که در زمان شهادت مادرش حضرت زهرا(س) بر بالینش باشد و سومین آرزویش هم این بود که جسدش برای همیشه در کردستان بماند.

این فرمانده ۲۳ ساله به آرزوهایش رسید و پیکر مطهرش بعد از ۴۰ سال همچنان مفقود مانده است.

سیدابراهیم تارا از پاسدارانی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز غائله کردستان، همراه دیگر پاسداران در آن منطقه توطئه‌های ضدانقلاب را مهار می‌کردند

روایت سیدعماد

«سید حسن آقامیری» در کردستان به نام مستعار سیدعماد معروف بود. سال ها در کسوت فرماندهی گردان شهیدفرجی کوخان و فرماندهی عملیات سپاه پاسداران بانه حماسه‌ها آفریده است.

رزم بی امانش با عناصر ضدانقلاب زبانزد برادران سپاه و ارتش است. در گرماگرم نبرد و روزهای ناآرام کردستان، مناطق زیادی از بانه و اطراف آن تحت فرماندهی او از لوث وجود عوامل ضدانقلاب پاکسازی شده‌است.

پیشمرگان کُرد مسلمان بانه به‌خاطر حُسن اخلاق و احترامی که در دوران جنگ از او به خاطر دارند، از صمیم قلب دوستش داشته و خیلی هم به او وفادارهستند. به همین دلیل هنوز گاهی به دنبالش می‌آیند و او را مهمان بروبچه‌های کردستان و اهالی بانه می‌کنند. او که روزهای سخت و زیادی را در منطقه سپری کرده‌است، در بازگویی جنایات کومله ها در مناطق کردنشین کشورمان به دلیل فجایع رخ داده و اعمال شنیع آنها مردد است.

سید عماد با اشاره به برخی جنایات آنها می‌گوید: آنها اعتقادی به اسلام نداشتند و برای این‌که این امر را علنی کنند، در مساجد مناطقی که ساکنان آن اکثرا اهل سنت بودند اقدام به جنایات و کارهای شنیع می‌کردند.

این رزمنده کهنه‌کار با بیان این‌که کومله ها دختران کُرد را می‌ربودند و با خود می‌بردند نوبه اسارت می‌گرفتند و بعد از تجاوز آنها را در همان مناطق رها می‌کردند. آنها برای این‌که عقاید مسلمانی را در ذهن مردم منطقه از بین ببرند، دست به این جنایات می‌زدند.

مُثله کردن پاسداران و نیروهای نظامی کشورمان از دیگر جنایات شنیع و غیرانسانی گروه منفور کومله در مناطق کردستان بود. بسیاری از مردم منطقه و پاسداران توسط این گروه به طرز وحشیانه به شهادت رسیدند. کومله وقتی نیروهای نظامی کشورمان را دستگیر می‌کردند، پس از انواع شکنجه ها آنها را مُثله کرده و برای از بین بردن روحیه و شکستن مقاومت نیروها، پیکر مثله شده شهدا را در مسیر تردد آنها قرار می‌دادند. در برخی مواقع تکه‌های بدن شهدا مانند گوش، دست، پا یا قسمت های دیگر بدن را برای این‌که در بین رزمندگان ایجاد وحشت کنند، در جاهایی که در معرض دید آنها بود قرار می‌دادند.

داعش زاده این گروه‌هاست و گروه‌های دموکرات و کومله روی جنایتکاران را سفید کرده‌اند؛ آنها با زغال داغ، ضمن سوزاندن بدن شهدا روی سینه آنها شعارها و مطالب آن چنانی می‌نوشتند.

شعار دروغین چگونه طرفدار دارد؟

امروز عده‌ای افراطی و مدعی اصلاحات حامی شعار «زن، زندگی، آزادی» هستند و از جنایات اعضای کومله با عنوان دروغین معترضان حمایت می‌کنند. شعار دروغین «زن، زندگی، آزادی» نشان دهنده بغض و خشم دشمن از زنان ایرانی است. مدعیان دروغینی که گویا تعمدا داغ جوانان برومند ایران زمین را در خاطر خود ندارند اما خوب می‌دانند اگر روزی کومله، دموکرات و اصلاح طلب آمریکایی بر سر کار آید، به هیچ تفکری احترام نمی‌گذارد و براساس فرمان ارباب انگلیسی با ایرانیت ما دشمنی دارد. مدعیانی که شعار آزادی بیان می‌دهند و شعار این‌که به عقیده هم احترام بگذاریم اما در رفتار خباثت و رذالت خود را نمی‌توانند پنهان کنند. اما ملت ایران در آزمون های مختلف و از جمله جنگ ترکیبی اخیر دشمن در پوشش فریبنده دفاع از حقوق زنان، باز هم سربلند بیرون آمده و دشمن را بیش از پیش مأیوس و سرخورده خواهدکرد. زنان فهیم و شریف ایران می‌دانند پشت پرده پروژه مخالفت دشمن با حجاب چیزی نیست جز اجرای «بی حجابی اجباری»؛ آرزویی که دشمن تاکنون به گور برده و هیچ‌گاه آن را در ایران اسلامی به چشم نخواهدید.

بازخوانی مستمر و تبیین از طریق روایت

با جدا شدن صف معترضان به واقعه فوت مرحوم مهسا امینی و میدان داری عناصر آشوبگر کور یا تروریست های آموزش دیده، نقطه ثقل کارزار تبلیغاتی-رسانه‌ای آشوب، یعنی تلویزیون ایران اینترنشنال (که به واسطه پیوند هویتی و ماهیتی با دولت سعودی بحق سعودی اینترنشنال است)، همه نقاب ها و پیرایه‌های حرفه‌ای‌گری و لعاب رسانه‌ای خود را کنار گذاشته و رسما به عنوان رسانه آشوب و به خصوص تجزیه‌طلبی در ایران عمل می‌کند. در این ایام این شبکه تلویزیونی عملا تبدیل به پاتوق سیاه‌کارترین و بدسابقه‌ترین عناصر تجزیه‌طلب مرتبط با تحرکات تروریستی در سیستان و بلوچستان و کردستان شده‌است. نهادهای مرتبط با فرهنگ عمومی مردم باید از خواب غفلت برخاسته و با افشاگری و تولید آثاری در رابطه با تاریخ معاصر و فرهنگ ایران زمین، مردان و زنان فداکار که همیشه دشمن را مایوس کرده‌اند، اثر تولید کند. اگر دیر بجنبیم رسانه‌های معاند با تکرار مکرر روایت های جعلی آنچه را تا امروز مرتکب شده به نتایج میدانی تبدیل می‌سازد.

برای خواندن متن کامل گزارش کیوآرکد را اسکن کنید

مکث

شناخت رسانه‌نماهایی چون ایران اینترنشنال

علی نوریجانی، رئیس کل باشگاه مدیریت رسانه و توسعه سواد رسانه‌ای یونسکو ایران می‌گوید؛ با روندکاوی رخدادهای اخیر در کشور و جنگ بی‌سابقه ترکیبی و رسانه‌ای که شاهد آن هستیم، جهت کمک به دیده و فهم شدن محتواهای غیرواقعی و تقویت توانایی تجزیه و تحلیل محتوا از سوی همه مخاطبان، توجه به امر همه‌گیری مؤثر سواد رسانه‌ای، فوری و ضروری است.

علی نوریجانی با اشاره به بهره‌گیری رسانه‌های معارض و معاند ایران از انواع تکنیک‌های رسانه‌ای برای ایجاد انحراف در درک مخاطب از رخدادها گفت: حجم انبوه اخبار جعلی، دستکاری شده، دارای سویه‌های معنا دار و گمراه‌کننده طی ماه‌های اخیر در کشور اساسا روشی برای ندادن فرصت به مخاطب جهت بررسی اطلاعات، اخبار، مهندسی هدفمند محتوا و همچنین گرفتن توان رسانه‌ها برای طراحی‌های پدافندی در قبال چنین محتواهایی است که هر دو در صورت مدیریت نشدن، خسارت‌آفرین هستند.

وی افزود: سواد رسانه‌ای به منزله فهم محتوا و سویه‌های دستکاری معنا در تصاویر و محتواها، فهم واژه‌گزینی‌های جهت‌دار، فهم خطوط نانوشته پیام‌های رسانه‌ای، بررسی اهداف پیدا و پنهان سازندگان پیام‌ها، درک و شناخت این‌که تصاویر دارای معصومیت نیستند و چگونه همه این مسائل می‌توانند به استحاله معنایی جامعه در ساحت‌های مختلف منجر شوند و ... است. از این رو دیگر در حد شعار و فضای ویترینی نباید به این دانش و توانمندی جدید نگریست.

رئیس کل باشگاه مدیریت رسانه و توسعه سواد رسانه‌ای یونسکو با تاکید بر این‌که در مقوله ارتقای سواد رسانه‌ای سه‌گانه مردم، رسانه و مسئولان باید در لایه‌های مرتبط با خود آموزش‌های کاربردی ببینند، ادامه داد: سواد رسانه‌ای البته تنها راه و حتی مطمئن‌ترین راه نیست، چراکه مؤلفه‌های جامعه‌شناسی و رفتارشناسی مختلفی در نوع مواجهه مخاطب با محتوای اثر دارد، مولفه‌هایی مانند سوگیری و علاقه‌مندی‌های شخصی فرد و تجربه زیسته‌های او و حتی مشاهده رفتار جمعی و... اما آنچه مهم است و این ضرورت را حتمی می‌سازد این است که سواد رسانه‌ای امری توان‌افزاست. توان زیست در عصر فراگیری و همه جایی بودن رسانه و مخاطب نباید بی‌پناه در این سپهر رها شود. او باید بداند هیچ محتوایی بی‌هدف تولید نمی‌شود. حال این هدف می‌تواند مثبت باشد یا مخرب و منفی.

نوریجانی در ادامه گفت: مخاطب دارای سواد رسانه‌ای یقینا می‌داند اقتصاد و ایدئولوژی چگونه بر فرآیند تولید معنا توسط رسانه اثر دارد و در این صورت است که دیگر رسانه نماهایی مانند اینترنشنال و... در قالبی دیگر فهم می‌شوند. رسانه‌های ارتزاق کننده از آبشخور دشمن بی‌شک محتوای مبتنی بر مؤلفه ایران دوستی تولید نمی‌کنند و این را در موضوع اخیر بازی فوتبال ایران و انگلیس می‌بینیم. تلاش فراوان برای القای این حس که باید از برد تیم رقیب کشورتان خوشحال باشید و...

رئیس کل فدراسیون باشگاه‌های یونسکو ایران در پایان گفت: در سال‌های اخیر هر چند تلاش‌های فراوانی برای بسط و توسعه مفاهیم کاربردی سواد رسانه‌ای صورت گرفته اما قطعا در برابر این حجم از نبردهای طراحی شده رسانه‌ای دشمن، کافی نبوده و باید این مهارت را در سطوح مختلف توسعه داد. این مهم بدون عزم جدی قانون‌گذاران، مجریان و کمک به تقویت فعالان این عرصه میسر نخواهد شد.

یادمان

درگذشت خواننده افسانه‌ای کوبا

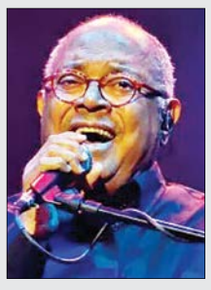

پابلو میلنا معروف به میلانس خواننده، آهنگساز و نوازنده گیتار اهل کوبا و برنده جایزه گرمی که برای پیشگام بودن در جنبش موسیقی «Nueva Trova» شناخته می‌شود، در ۷۹ سالگی درگذشت. این خواننده که بیشتر برای خلق قطعاتی همچون «Yolanda» و «AmoEstaIsla» شناخته می‌شود به دلیل ابتلا به سرطان در شهر مادرید درگذشت.

میلانس که یکی از مشهورترین موسیقیدان‌های کوبایی در سطح جهان محسوب می‌شد، ده‌ها آلبوم منتشر و در طول پنج دهه فعالیت هنری در نقاط مختلف جهان اجرا کرد. این خواننده به‌رغم این‌که از طرفداران انقلاب فیدل کاسترو بود اما هیچ‌گاه از صحبت درباره افکارش هراسی نداشت و اخیرا فقدان آزادی و پیشرفت در این کشور را مذمت کرده بود.

میلانس به دنبال انقلاب سال ۱۹۵۹ کوبا مورد توجه قرار گرفت و با شکل‌گیری جنبش کوبایی «Nueva Trova» به همراه شمار دیگری از موسیقیدان‌های کوبایی از جمله سیلویو رودریگز»، نوئل نیکولا در کوبا و نقاط دیگر جهان به شهرت رسید. میلانس سال ۲۰۰۶ دو جایزه گرمی لاتین دریافت کرد./ ایسنا

پژوهش

حرکت به سمت دانش‌افزایی با نگاه علمی به سینما

سینمای ایران نیاز به رویکردی کاربردی در حوزه پژوهش دارد. در این باره مینو خانی، عضو شورای علمی و هیأت داوری جایزه پژوهش سال سینمای ایران و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد با بیان این‌که هر جایزه، مسابقه و رقابت پژوهشی یکی از مهم ترین اقداماتی است که سازمان‌ها و نهادها انجام می‌دهند، گفت: اساسا پژوهش در هر زمینه‌ای همان چیزی است که باعث رشد و پیشرفت آن موضوع می‌شود. جایزه پژوهش سال سینمای ایران هم از این قاعده مستثنا نیست و قطعا برگزاری آن بستری مناسب برای نگاه علمی، بنیادی و میان‌رشته‌ای به این هنر، صنعت و رسانه خواهدبود.

عضو شورای علمی و هیات داوری جایزه پژوهش سال سینمای ایران مطرح کرد: به نظر من باید این جایزه و رقابت، سال‌ها پیش از این راه‌اندازی می‌شد تا به رشد اصولی‌تر، شناسایی معضلات و حل مشکلات آن کمک می‌کرد اما برگزاری پنجمین دوره آن با گذشت ۱۰۰ سال از حیات سینما در ایران، نشان از آن دارد که این جایزه بسیار دیر راه افتاده‌است./ ایلنا

قاب

انتشار چهل‌وسومین فصلنامه «کیمیای هنر»

فصلنامه علمی-هنری «کیمیای هنر» سال‌هاست با نگاهی علمی هنری در صفحاتی متنوع برای علاقه‌مندان منتشر می‌شود. از این رو شماره چهل و سوم این فصلنامه، ویژه تابستان ۱۴۰۱ به سردبیری حسن بلخاری و با صاحب امتیازی پژوهشکده هنر فرهنگستان هنر منتشر شده است. از جمله مطالبی که در این شماره از کیمیای هنر می‌خوانیم: تحلیل زیورآلات معاصر هند با رویکرد گفت‌وگومندی میخائیل باختین و مقایسه نگارگری مکتب گورکانی و مکتب هرات بر مبنای اندیشه کوماراسوآمی است. علاقه‌مندان برای دسترسی به مقالات این شماره می‌توانند به وبگاه نشریه با نشانی www.kimiahonar.ir مراجعه کنند.